



۲۰۱۹/۰۴/۲۲



م. اسحاق نگارگر

قساوت و بیرحمی مسلط بر انسان تمدن را به وحشت و بربریت بر میگردداند!



امروز شترسیاه غم و اندوه پُشت خانه های سریلانکا زانو خوابانید و گروهی را بر گلیم ماتم عزیزان شان نشانند. گناه آنانی که بدستِ هموعان خویش بکام مرگ فرو رفتند چه بود؟ کشته شدگان به شیوه خاص خود معبود یا معبودانی را میپرستیدند که با شیوه عبادتِ کُشدگانِ شان تفاوت داشت. آنانی که کُشتند با زبان بی زبانی به کسانی که کُشتند گفتند: معبودی که ما می پرستیم برحق است و آنرا که شما می پرستید بر باطل یا بیاید و معبود ما را به شیوه ما پرستش کنید و یا بار و بستر تان را بردارید و رنگ تان را از این سرزمین که قباله اش به نام ماست؛ گم کنید. عده ای با بم گذاری در کلیساهای گوناگون سریلا نکارشته زندگی عده ای دیگر را با مقراض سنگدلی و تعصب بُریدند. من وقتی این خبر را شنیدم به یاد خردمند بزرگ شیراز حضرت سعدی (رح) افتادم که اگر ما سخن عاقلانه اش را شنیده بودیم می دانستیم که نه عقل ما برتر از عقل دیگران است و نه باور داشت های ما برای همه در خور پذیرش است و تا وقتی آزادی اعتقاد دیگران را در ضمیرخویش نپذیریم به خاطر اعتقاد خود به پیکار دیگران می رویم و جهان زیبای خدا را که گلستان پُر از زیبایی و شگفتی آفریدگار است به جهنم خود و دیگران بدل می کنیم و قبل از همه از راز خلافت انسان بر زمین غافل می مانیم.

حضرت شیخ در باب هشتم گلستان ما را بدین گونه از نزاع یک یهود و مسلمان خبر میدهد:

«همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال

یکی یهود و مسلمان نزاع میکردند چنانکه خنده گرفت از حدیث ایشانم
به طیره (۱) گفت مسلمان گر این قباله من دُرُست نیست خدایا یهود میرانم (۲)
گر از بسیط زمین عقل منهدم گردد به خودگمان نبردهیچ کس که نادانم
یهود گفت به تورات میخورم سوگند وگر خلاف کنم همچو تو مسلمانم

۱- "طیره" در زبا عربی به معنی طنز و کتره است

۲- "میرانم" از مصدر متعدی "میراندن" آمده یعنی مرا بمیران، مرا مرگ بده

حالا شما برای چند دقیقه تصور کنید که معجزه ای صورت گرفت و یک صبح از خواب برخاستیم و دیدیم که خدای بزرگ هدیه ای عقل را که برای تمییز خیر از شر برای ما داده است از ما بازگرفته است و ما با حالتی رو به رو هستیم که هیچ کس عقل ندارد. ناگهان در میان این همه انسان که از تگاور عقل پیاده شده اند جنگی سخت درمیگیرد زیرا آنان که خود را عقل گُل می پندارند و همیشه با پُشتاره ای از اندرز؛ مشوره؛ ارشاد و راهنمایی به سراغ دیگران می روند و به مردم «چنین گُن و چنان مگن» میگویند به هیچ وجه نخواهند پذیرفت که خدای بزرگ چنانکه زیبایی های دیگر جوانی را که نشان غرور و خودنمایی های ماست از ما میگیرد عقل را نیز برای تجربه و درس عبرتی تلخ از ما بازگرفته است و ما را به دیوانگان همسان و هم سویی یک دارالمجانین بدل کرده و به جای عقل برای مایک خودخواهی ستیزنده و سلطه جو داده است چنانکه همه می پندارند که خدا(ج) به طور استثنایی کاری به عقل آنان نداشته است. آری در چنین دیوانه خانه است که "عمرالبشیر" سی سال بر اریکه قدرت جا خوش می کند و تا به زور او را از مسند فرونیارند به اختیار خود فرو نمی آید زیرا که او می پندارد که عقل استثنایی او را دیگران ندارند و این اوست که دیگران را به شاهراه کمال هدایت میکند. در همین دارالمجانین است که "عبدالفتاح السیسی" دکتاتور مصر از مردم میخواهد که سرنوشت خود را تا سال دو هزار و سی میلادی به دست او بسپارند تا او جان و جسکه بگند و همه را به نان و مسکه برساند و باز در همین بازار جنگ دیوانگان که روحانیون ادیان مختلف خود را هوشیارانمعرکه می پندارند و از مردم می خواهند تا در برابر همدیگر صف آرایی کنند و حقانیت خود را به زور شمشیر بر دیگران ثابت کنند و دیوانگان را بکشند تا جهان مال هوشیاران گردد. آری در همین سرزمین واماندگی عقل و خرد است که حق را با کُشتن هموعان و پُنداندن رگ گردن باید ثابت کرد!

فکر میکنم در همین صفحات جوک و فکاهی فیس بُک خواندم که دخترکی غوره در دامن داشت و می خورد که پیری خردمند فراز آمد و برایش گفت: «دختر جان غوره مخور که گرفتار اسهال میشوی!» دخترک در پاسخ آن عقل گُل گفت: «کاکاجان پدرکلان من پوره یک صد و ده سال عمر کرد.» پیر خردمند پرسید: «آیا او هم غوره میخورد؟» گفت: «نه؛ ولی هیچ وقت با کار دیگران غرض نداشت.» اگر ما نیز به خاطر غوره خوردن دیگران خود را به درد سر نمی انداختیم و حدود عقل خود را می شناختیم و میدانستیم که «دیوانه در کار خود هوشیاراست» جهان را بر خود و دیگران زندان نمیساختیم ولی افسوس که «هوشیاران» جهان فراوانند و دیوانگان عاشق اندک! به قول بیدل:

به آن ستمزده «بیدل» ز عالم او هام

چه ظلم رفت که مجنون نشد فلاطون شد

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر

۲۱ اپریل ۲۰۱۹ برمنگهم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمایی شوند.